



<http://www.arianaafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۲/۲۲

م. نسیم اسیر
ملک الشعراء افغان ها در هجرت

ورطه طوفان

قیام سوم حوت ۱۳۵۸ کابل که لرزه در کاخ کرملین افگند

کودتای منحوس ثور و وابستگی برده و ارحلقه بگوشان کرملین « خلقی ها و پرچمی ها»، زمینه را چنان مساعد ساخت تا اتحاد شوروی وقت با بیش از یکصد و بیست هزار عسکریا مدرن ترین سلاح در سرزمین ما هجوم بیاورد و خونین ترین نظام آدمکش را حمایت بکنند.

این تهاجم سر آغاز قیام های دلیرانه جانبازان سر به کف وطن بود که یکی از آنها قیام سوم حوت ۱۳۵۸ ش با نعره های ملکوتی «الله و اکبر» در کابل، لرزه در کاخ کرملین افگند و تعدادی از جوانان با خون های پاک خود صفحه دل انگیز تاریخ درخشان وطن را رنگین و افتخار آفرین ساختند. شعری دارم خطاب به شوروی وقت، به همین مناسبت که به حیث تکرار حسن تقدیم می کنم:

پا در حریم خانه افغان گذاشتی

روبه! قدم به پیشه شیران گذاشتی

چون طفل ساده لوح ندانسته، بهر چه	سرپنجه را به آتش سوزان گذاشتی
ای در لهیب حرص و هوا سوخته، چسان	بیجا قدم به سیل خروشان گذاشتی
ناخوانده سر زدی به دیار دلاوران	نامش دروغ گفته و مهمان گذاشتی
در سرزمین صلح و صفا آمدی به جنگ	روی سیه به ساحه دوران گذاشتی
ای بی خدا! به کشتی ما نا خدا چرا؟	لنگر چرا به ورطه طوفان گذاشتی
ای آفت زمانه به این ترک تازیت	نی باغ و راغ مانده، نه انسان گذاشتی

با یک گروه ملحد و مردود و بی وقار
 دادی زمام و نام مسلمان گذاشتی
 مارا فریب دین و دیانت چه می دهی
 دیدم که پای بر سر قرآن گذاشتی
 زیر شعارخانه و نان و لباس، حیف
 نی جامه و نه خانه و نی نان گذاشتی
 کردی سرود برزگر و کارگر بلند
 نی کارگر، نه کار و نه دهقان گذاشتی
 نی عالم و فقیه و نه شاعر، نه داکتر
 نه شعر و نی سخن نه سخندان گذاشتی

حرف دروغ مهر و وفا بیش ازین مزن
 عهد وفا شکستی و پیمان گذاشتی
 بم ریختی و آتش نفرت به سینه ها
 در بلخ و بامیان و بدخشان گذاشتی
 غور و هرات و کابل و زابل بهم زدی
 از شهر ها گذاشتی و ویران گذاشتی
 در سینه ها نهال کدورت نشانده ای
 در دیده ها شراره طوفان گذاشتی
 دیدم که بار بار به میدان کارزار
 قصد فرار کرده و میدان گذاشتی

در قید مسکنت همه مردم «اسیر» شد
 ظالم نه این گذاشتی، نی آن گذاشتی

م. نسیم «اسیر» اگست ۸۷ م، بن المان

